

بررسی و مقایسه میزان تاثیر عوامل خانوادگی و اجتماعی موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان

(مطالعه موردی دانش آموزان دختر مقطع اول و دوم و سوم متوسطه)

شیوا طیبان^۱، دکتر حبیب الله کریمیان^۲

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان بررسی عوامل اجتماعی بر افت تحصیلی دانش آموزان دختر اول و دوم و سوم متوسطه شهر گرمسار اجرا شده است. هدف از انجام این تحقیق مشخص نمودن نقش عوامل اجتماعی بر افت تحصیلی دانش آموزان دختر سال اول و دوم و سوم متوسطه شهر گرمسار می باشد که به شیوه ی تحقیق میدانی اجرا گردیده است. جامعه آماری این تحقیق را ۷۶۸ نفر از دانش آموزان دختر مقطع اول، دوم و سوم متوسطه رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و فنی حرفه ای که در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ در مدارس شهر گرمسار مشغول به تحصیل بوده اند، می باشد. حجم نمونه این تحقیق با استفاده از فرمول کوکرال از بین جامعه آماری، به تعداد ۲۵۶ نفر معین گردیده است. فرضیات از طریق آزمون کرامرزی و رگرسیون چند متغیره سنجیده شد و نتیجه آن چنین به شرح ذیل بیان شد. جهت سنجش شدت رابطه بین دو متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان از ضریب کرامرزی استفاده گردید که مقدار این ضریب ۰/۷۷ و سطح معناداری ۰/۰۱، بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر افت تحصیلی دانش آموزان و نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص وجود دارد. همچنین سطح معناداری ۰/۰۱، بین دو متغیر افت تحصیلی دانش آموزان و پایگاه اجتماعی خانواده بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی وجود دارد. با توجه به مقدار $F= ۸/۸۶$ با سطح معنی داری ۰/۰۰۰ نشان دهنده رد فرضیه صفر یعنی وجود رابطه معنادار میان دو متغیر عوامل اجتماعی و افت تحصیلی بوده است. از سوی دیگر جهت سنجش شدت رابطه بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان از ضریب کرامرزی استفاده گردید که مقدار این ضریب ۰/۶۶ و سطح معناداری ۰/۰۵، بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد.

کلمات کلیدی: افت تحصیلی-انسجام خانوادگی-عوامل اجتماعی-پایگاه اجتماعی-نیروی انسانی ماهر.

۱-کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

۲-استادیار جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه و بیان مسأله

آموزش و پرورش یکی از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان و در پاسخ به نیاز انسانها در روابط متقابل به شکل ابتدایی خود وجود داشته‌است (فومنی، ۱۳۸۲). از دیدگاه دورکیم، آموزش و پرورش یک واقعیت اجتماعی^۱ است و نقش آموزش و پرورش وارد کردن و جادادن فرد در نظام اجتماعی است. به نظر او در هر جامعه‌ای آموزش و پرورش متناسب با اهداف و ارزشهای آن جامعه است، لذا محتوای آموزش و پرورش از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از یک عصر به عصری دیگر فرق می‌کند. آموزش و پرورش وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است. اما این جامعه است که هدف را تعیین می‌کند نه فرد. از دیدگاه دورکیم کارکرد آموزش و پرورش حفظ ثبات جامعه و اجتماعی کردن فرد است. به اعتقاد او ارزشهای اخلاقی (که اساس و بنیان نظم اجتماعی‌اند) از طریق نهادهای آموزشی، تثبیت می‌شوند و بقا و دوام می‌یابند (شارع‌پور، ۱۳۸۳). دورکیم همخوانی و مطابقت ساختار آموزش و پرورش با ساختار جامعه را در مقایسه جامعه ساده ابتدایی با جامعه پیچیده صنعتی، نشان می‌دهد و معتقد است، پیدایی نظامهای دولتی آموزش و پرورش عمومی که آموزشهای عالی تخصصی نیز ملازم آنهاست، در واقع، مشخصه جامعه ارگانیکی است و در جوامع جدید دولت باید هدایت کلی آموزش و پرورش رسمی را به عهده گیرد و تضمین کند که آموزش و پرورش بازتاب آرمانها و اصولی است که جامعه آنها را پاس می‌دارد و نیز اطمینان دهد که کودکان برای ایفای نقشهایی که در تقسیم کار تخصصی خواهند داشت، آموزش می‌بینند (علاقه‌بند، ۱۳۸۲). وظیفه اصلی آموزش و پرورش تعلیم و تربیت است و تعلیم و تربیت از دیدگاه اقتصادی نوعی سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. لذا باید در صدد بود تا چنین سرمایه‌گذاری عظیمی که بخش عمده‌ای از سرمایه‌های کشور را به خود اختصاص می‌دهد. صحیح برنامه ریزی گردد تا ضایعات آن به حد اقل برسد. بدین جهت هر گونه ضایعه‌ای که موجب تلف شدن سرمایه شود و نتیجه مطلوب از آن به دست نیاید «افت» نامیده می‌شود. چرا که هر ساله دهها میلیاردها ریال بودجه کشور را به هدر می‌دهد و نیروهای بالقوه انسان جامعه را از آموزش و پرورش خارج می‌کند و به این ترتیب عظیم‌ترین سرمایه‌های جامعه که همان نیروهای انسانی بی‌ثمر می‌مانند. یکی از مهمترین مسائل اجتماعی در میان دانش آموزان در نظام آموزشی و پرورش، بحث «تکرار پایه» است که مستلزم سرمایه‌گذاریهای اضافی زیادی است. بحث تکرار پایه در نظام آموزش و پرورش بحث جدیدی نیست. پدیده‌ای است که از دهها سال قبل در نظامهای آموزشی وجود داشته است، روندی که ما از آن به عنوان «افت تحصیلی» یاد می‌کنیم. مسأله‌ی افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش یکی از مهمترین مسائل نظامهای آموزش و پرورش در اغلب کشورها می‌باشد و منابعی که از این راه تلف می‌شود- خواه به صورت عمر انسان‌ها باشد یا به صورت منابع مادی و

^۱ - Social Fact

مالی - هر سال رقم قابل توجهی را تشکیل میدهد، به طوری که بهبود کارایی نظام های آموزشی، تا اندازه بسیار زیادی، موقوف به جلوگیری از اتلاف یا کاهش افت تحصیلی است (پورقاز، ۱۳۸۰). سازمان یونسکو مفهوم افت تحصیلی را به تکرار پایه، ترک تحصیل زودرس و کاهش کیفیت آموزشی و تحصیلی افراد نسبت میدهد (یونسکو، ۱۹۸۴). سازمان بزرگ آموزش و پرورش در ایران با یک مشکل آموزشی به نام «افت تحصیلی» دانش آموزان در مقاطع مختلف روبروست. پدیده افت تحصیلی دانش آموزان که به یک مسأله فراگیر و گسترده در جامعه تبدیل شده است، مانعی جدی برای رسیدن به اهداف عالی آموزش و پرورش می باشد که مقامات رسمی کشور را به چاره جویی و اقدام عملی در جهت اصلاح و رفع و یا پیشگیری آن وا می دارد «افت تحصیلی» مسأله ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت، چرا که از سالها قبل این پدیده در نظام آموزشی ما وجود داشته و تا الان ادامه دارد. این میزان ظاهراً در دوره متوسطه بیش از سایر مقاطع تحصیلی می باشد و عوامل بسیاری در آن دخالت دارد و همین امر باعث شده است تا عده زیادی از دانش آموزان، اصطلاح ریزشی و ریزشی مضاعف را به خود بگیرند و برخی هم به علت عدم کشش درسی دچار ترک تحصیل بشوند. افت تحصیلی دانش آموزان یک موضوع کلی و گسترده است که برای کشف عوامل آن، گروهی بزرگ از محققان لازم است که با هزینه بسیار زیاد و همچنین با صرف زمانی طولانی به تحقیق مشغول شوند و چه بسا مشکلات بسیاری هم از جنبه های مختلف باعث کندی حرکت آنها شده و به علل متفاوت بودن شرایط و موقعیت مکانی و اجتماعی و فرهنگی و غیره نمی توان به دلایل ثابتی که همه کشور را در برمی گیرد رسید. افت تحصیلی در کشور ما نیز رقم قابل توجهی را تشکیل می دهد و هر سال این پدیده به صورت مردودی، ترک تحصیل زودرس و یا مواردی دیگر، مقدار بسیار زیادی از منابع و استعداد های بالقوه انسانی و مالی جامعه ما را تلف نموده و آثار شوم و ناگواری در حیات فردی و خانوادگی و اجتماعی بر جای می گذارد و نابسامانیهای اجتماعی فراوانی را نیز بوجود می آورد. (دسترنج، بلوکی، مودن، ۱۳۹۲) این پدیده نامطلوب برای کل جامعه مسأله جدی ایجاد کرده که در مواردی ریشه در کیفیت نظام آموزشی ما داشته و اذهان متفکران اجتماعی، برنامه ریزان کتابهای دولتی، مربیان آموزشی، جامعه شناسان، روانشناسان، خانواده ها، سیاستمداران و غیره را به خود مشغول داشته است. به همین دلیل سعی شده است تا ریشه های جامعه شناختی «افت تحصیلی» در مقاطع متوسطه را در شهرستان گرمسار تا حد امکان شناخته و همچنین مقایسه ای از جهت میزان افت در بین دانش آموزان دختر در پایه های مختلف تحصیلی از سال ۱۳۹۱ تا پایان سال تحصیلی ۱۳۹۵ به عمل بیاید. چرا که شناخت این عوامل و برخورد مدبرانه با آن می تواند کارایی نظام مزبور را افزایش داده و جاده علم دانش را برای پیمودن نسلهای جوان هموارتر سازد.

مروری بر تحقیقات پیشین

در ایران در زمینه افت تحصیلی تحقیقات و پژوهشهای زیادی در استانها و شهرهای مختلف صورت گرفته است و این نشانگر جدی بودن مسأله فوق است که اذهان غالب اندیشمندان، خصوصاً مسئولین آموزش و پرورش را به خود جلب کرده است.

ممشلی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل اجتماعی موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه نظری شهر مینودشت به این نتایج دست یافت که بین دو متغیر افت تحصیلی و میزان تحصیلات پدر، میزان تحصیلات مادر رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین محاسبه میزان همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر افت تحصیلی و درآمد پدر نتایج حاکی از این مطلب بود که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین مشخص گردید که بین دو متغیر افت تحصیلی و درآمد مادر ارتباط معنی داری وجود دارد. محاسبه میزان همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر افت تحصیلی و شغل پدر و شغل مادر، چنین بیان شد که بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. همچنین بین دو متغیر افت تحصیلی و میزان اعتماد خانواده رابطه معنی داری وجود دارد. محاسبه میزان همبستگی اسپیرمن بین دو متغیر افت تحصیلی و میزان نظارت خانواده و سابقه معلم نیز چنین بیان شد که بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد.

دلایلی در سال ۱۳۸۰ تحقیقی تحت عنوان «تحلیل عوامل موثر بر دانش آموزان در معرض افت تحصیلی از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی تهران» انجام داده است در این تحقیق ۷ عامل مهم یعنی، آموزشی، رفتاری، اجتماعی، اقتصادی، خانواده، حضور تکرار پایه در یک سال که بر دانش آموزان در معرض خطر افت تحصیلی موثر هستند تحلیل شده است. در این تحقیق آمده است: به نظر معلمان بهترین راهبردهای جلوگیری از شکست تحصیلی راهبردهای آموزشی است. با بررسی تحقیقات اخیر موثرترین ویژگیهای دانش آموزان در معرض خطر افت تحصیلی شناسایی شد. (دلایلی، ۱۳۸۰)

پورقاز، (۱۳۸۰)، در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان چابهار پرداخته و در نتایج خود دریافته است که بین فقدان نیروی انسانی ماهر و متخصص، عوامل فرهنگی و اجتماعی و عوامل اقتصادی خانواده ها در افت تحصیلی دانش آموزان نقش بسزایی را ایفا می نمایند.

پژوهش دیگری توسط بهرام مجیدی در سال ۱۳۷۵ در شهرستان میانه صورت گرفته که موضوع آن، بررسی رابطه بین برخی از ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی خانواده با موفقیت و افت تحصیلی دانش آموزان سوم راهنمایی شهرستان میانه است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان سوم راهنمایی شهرستان میانه در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ بوده است و از بین جامعه آماری، تعداد ۳۶۰ نفر از دانش آموزان (۱۸۰ دانش آموز موفق و ۱۸۰ دانش آموز ناموفق) به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. تعداد ۱۷۴ نفر در گروه موفق و تعداد ۱۶۴ نفر در گروه ناموفق به پرسشنامهها پاسخ دادند. اطلاعات گردآوری شده به صورت جداول متعدد ارائه و از آزمون همبستگی مجذورکای و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج بدست آمده نشان داد که: بین سواد پدر، سواد مادر، درآمد خانواده، شغل پدر، تعداد اعضاء خانواده با افت تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد. اما بین محل سکونت والدین، اشتغال مادر، چندمین فرزند خانواده بودن با افت تحصیلی فرزندان رابطه معنی داری وجود ندارد. (مجیدی، ۱۳۷۵، ۶۸)

ساکی (۱۳۷۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی نگرش معلمان نسبت به موقعیت آموزشی (روابط معلم-شاگردی) و میزان موفقیت آنان از نظر دانش آموزان و مدیران نتیجه می گیرد که:

۱) نگرش معلمان با روابط معلم و شاگردی در کلاس و همچنین با نحوه عملکرد آنان در محیط آموزشگاه و در رابطه با همکاران و مسئولان و نمودهای رفتاری که دال بر علاقمندی به امر تدریس است، همبستگی معنادار نشان می‌دهد.

۲) میان نگرش معلمان نسبت به دانش‌آموزان با ارزشیابی دانش‌آموزان و مدیران از میزان کارآیی آنان رابطه معنادار وجود دارد.

۳) معلمانی که زن هستند و یا در دوره ابتدایی تدریس می‌کنند در مقایسه با معلمان مرد، آنهایی که در دوره راهنمایی تدریس می‌کنند، نسبت به دانش‌آموزان از نگرش مثبت‌تری برخوردارند.

۴) علاوه بر ارتباط نگرش معلمان با عملکرد آنان در محیط آموزشگاه، میان نگرش آنان نسبت به دانش‌آموزان با ارزشیابی دانش‌آموزان و مدیران از میزان کارآیی آنان نیز رابطه معنادار مشاهده گردیده است.

هافمن در سال ۱۹۸۹ با تحقیقی در مورد اشتغال مادران و وضعیت فرزندان، خاطر نشان می‌سازد که دختران مادران شاغل از پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی و استقلال بیشتری برخوردارند. همچنین پسران مادران شاغل در مقایسه با پسران مادران غیرشاغل از سازگاری اجتماعی و استقلال بالاتری بهره‌مندند. در خانواده‌های بسیار فقیر پسران مادران شاغل در آزمونهای شناختی و هوشی نمرات بالاتر از پسران مادران غیرشاغل دارند در ضمن مادران طبقه متوسط نسبت به مادران طبقات پایین‌تر، می‌توانند معلم بهتری برای فرزندان خود باشند و تحریک ذهنی گسترده‌تری برای آنها فراهم سازند. در مورد اثرات تلویزیون در وضعیت تحصیلی فرزندان، دو محقق به نام فیلیپ نیومن و باربارانیومن با فرا تحلیل یا تحلیل نتایج ۲۳ تحقیق، عنوان می‌کنند که پیشرفت تحصیلی در میان کودکانی که در هفته، ۱۰ تا ۱۵ ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند در بالاترین حد است (در مقایسه با کودکانی که کمتر از ۱۰ ساعت تماشا می‌کنند) و سپس با افزایش تماشا از ۲۰ تا ۴۰ ساعت در هفته، میزان پیشرفت تحصیلی به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. در هندوستان هم بر اساس گزارش گروه مشاوران یونسکو (۱۳۶۹، ترجمه مشایخ) دانش‌آموزان بیشتر به علت کمبود لباس و عدم امکانات و شهریه ترک تحصیل می‌کنند. بر اساس آمار منتشره، ۳۰ درصد ترک تحصیل زنان یا دختران بر اثر عدم علاقه والدین به تحصیل آنها بوده است. در مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز (پاییز سال ۷۲-۷۱) آمده که: در پژوهشی که در انگلستان صورت گرفته است، نشان داده شده که شغل پدر به عنوان شاخص طبقه اجتماعی، بالاترین همبستگی را با پیشرفت تحصیلی در تمام سطوح پیش دانشگاهی داشته است. (حاجی‌زاد، ۱۳۸۲، ۷۱ الی ۶۸)

افت تحصیلی

افت تحصیلی را به افت کمی و افت کیفی تقسیم می‌کنند. افت کمی عبارتست از درصد دانش‌آموزان یک دوره آموزشی که به سبب مردود شدن با ترک تحصیل توانسته‌اند آن دوره را با موفقیت بگذرانند و منظور از افت تحصیلی کیفی، نارسایی در رسیدن به هدفهای تعیین شده و یا عدم تحقیق بخشی از این هدفهاست. بنابراین تفاوت بین دانش و مهارت فارغ التحصیلان یک دوره آموزشی و هدفهای تعیین شده برای این دوره، افت کیفی را نشان می‌دهد. معمولاً مشاهده می‌شود که میزان ترک تحصیل کرده‌ها و افرادی که مردود می‌شوند در مقاطع تحصیلی راهنمایی و متوسطه در پسران بیشتر از دختران است و یکی

از دلایل مهم آن می‌توان این باشد که دختران اوقات فراغت خود را بیشتر در خانه می‌گذرانند و فرصت و امکان سرگرمی در بیرون از منزل را کمتر از پسران دارند و بیشتر مطالعه می‌کنند. (منادی، ۱۳۷۲)

عوامل افت تحصیلی

عوامل افت تحصیلی را بر دو نوع تقسیم نموده‌اند: ۱- عوامل داخلی ۲- عوامل خارجی

عوامل داخلی

عواملی هستند که عمدتاً مربوط به خود سازمان آموزش و پرورش می‌باشد و از دورن سازمان سرچشمه می‌گیرد مانند نامتناسب بودن هدفها و محتوای برنامه با نیازهای، استعدادها و علایق فراگیران، نامناسب بودن روشهای برنامه‌ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه‌ها، نامتناسب بودن فضای آموزشی مدرسه و کلاس و غیره.

عوامل خارجی

عواملی هستند که مربوط به خود نظام آموزش و پرورش نمی‌شوند. بلکه خارج از نظام آموزش و پرورش بر کار این سازمان تاثیر می‌گذارند و باعث افت تحصیلی دانش آموزان می‌شوند. از جمله این عوامل می‌توان به: فقر و محرومیت اقتصادی، شرایط و عوامل فرهنگی و اجتماعی، شرایط عوامل و خانوادگی و توزیع نامناسب امکانات آموزشی اشاره کرد. البته باید یادآور شویم که این عوامل از یکدیگر جدا نبوده و بر هم تاثیر متقابل دارند و نمی‌توان هر کدام از اینها را به طور جداگانه مورد بررسی قرار داد. (معیری، ۱۳۷۰، ۲۵).

خسارت‌های ناشی از شکست تحصیلی در ایران

خسارت‌های ناشی از شکست تحصیلی در ایران از سه جنبه می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

الف) هزینه‌های تحمیل شده بر دولت شامل:

- اتلاف هزینه جاری اداره موسسات آموزشی توسط دولت

- اتلاف سرمایه‌گذاریهای ثابت برای احداث و تجهیز فضاهای آموزشی و پرورشی

ب) هزینه‌های تحمیل شده بر خانواده شامل:

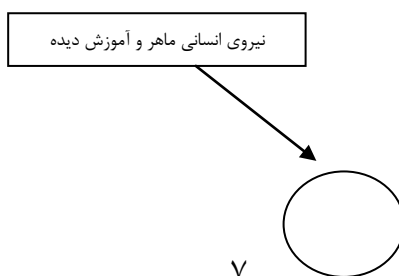
- اتلاف هزینه‌های مستقیم آموزشی مانند تامین نوشت افزار و سایر وسایل تحصیل، پرداخت شهریه، حق ثبت

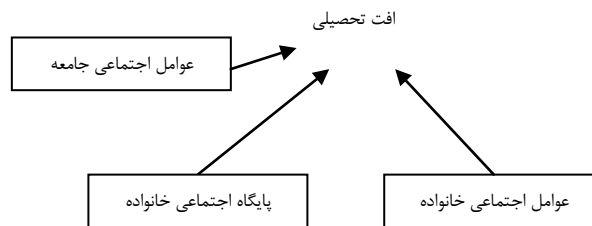
نام و کمکهای اتفاقی به مدارس

- اتلاف هزینه حمل و نقل و ارتباطات برای رفت و آمد دانش آموز به مدرسه

ج) خسارت‌های وارده به دانش آموز شکست خورده (نفیسی، ۱۳۷۱)

نمودار (۱) مدل کلی عوامل اجتماعی مؤثر بر افت تحصیلی





فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین نیروی انسانی آموزشی ماهرو متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان ارتباط معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین عوامل اجتماعی جامعه و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین عوامل اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر روش، توصیفی از نوع پیمایشی و از لحاظ هدف نیز، کاربردی است. جامعه آماری شامل مجموع دانش‌آموزان دختر سال سوم متوسطه که در خرداد ماه یک‌هزار و سیصد و نود و شش می باشد. حجم نمونه آماری دختران ۲۵۶ نفر و روش نمونه گیری تصادفی بوده است. محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر عوامل اجتماعی موثر در افت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه دختر در شهرستان گرمسار در سه رشته علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی فیزیک بوده که پرسشنامه خود محقق ساخته، طراحی شده و توسط دانش‌آموزانی که در سال سوم متوسطه دچار افت تحصیلی شده‌اند تکمیل شده است. قابلیت اعتبار پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ^۱ مورد مطالعه قرار گرفت و برای سنجش متغیر وابسته، یعنی افت تحصیلی حدود ۲۵۶ سوال طراحی گردید که مقدار ضریب آلفای آن برابر با ۰/۷۶ درصد بوده است. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss بصورت مجموعه‌ای از آماده‌های توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تحلیل و توصیف داده‌ها از جداول یک بعدی و آماره‌هایی چون میانگین و واریانس، جداول دو بعدی و آماره‌های کی دو و تای کندال و جداول سه بعدی و نیز فنون پیشرفته آماری ماند رگرسیون و تحلیل واریانس استفاده شد.

^۱ cronbach,s Alpha

نتایج :

فرضیه اول: بین نیروی انسانی آموزشی ماهرو متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان ارتباط معنی داری وجود دارد.

با اذعان به نتیجه ضریب همبستگی کندال تاو - بی (۰/۱۳) درخصوص رابطه متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان، با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد می توان گفت که رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد. بدین ترتیب، فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان تایید شده و در مقابل فرض عدم ارتباط بین این دو متغیر رد می شود. به عبارتی، دو متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان به یکدیگر مرتبط بوده و هرگونه تغییر در یکی با تغییر در دیگری همراه می باشد. از سوی دیگر جهت سنجش شدت رابطه بین دو متغیر نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی دانش آموزان از ضریب کرامروزی استفاده گردید که مقدار این ضریب ۰/۷۷ و سطح معناداری ۰/۰۱، بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر افت تحصیلی دانش آموزان و نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص وجود دارد.

جدول (۱): نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص و افت تحصیلی فرزندان

	اعتبار	سطح خطا	Approx. T(b)	سطح معناداری
خی دو	۶.۵۸۱			.۰۰۰
ضریب کرامزی	.۷۷۱			.۰۰۰
ضریب همبستگی تای کندال	.۱۲۹	.۰۵۳	.۸۹۵	.۰۰۴
تعداد	۲۵۶			

فرضیه دوم: نتایج و یافته های حاصل از آزمون رابطه بین پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی فرزندان با استناد به نتیجه ضریب همبستگی تای کندال (۰/۱۰۷) درخصوص رابطه متغیر پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان، با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ درصد می توان گفت که رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد. بدین ترتیب، فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان تایید شده و در مقابل فرض مبنی بر عدم ارتباط بین این دو متغیر رد می شود. به عبارتی، دو متغیر پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی دانش آموزان به یکدیگر مرتبط بوده و هرگونه تغییر در یکی با تغییر در دیگری همراه می باشد.

از سوی دیگر جهت سنجش شدت رابطه بین دو متغیر فوق از ضریب کرامرزوی استفاده گردید که مقدار این ضریب ۰/۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۱، بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر افت تحصیلی دانش آموزان و پایگاه اجتماعی خانواده وجود دارد.

جدول (۲): پایگاه اجتماعی خانواده و افت تحصیلی فرزندان

	اعتبار	سطح خطا	Approx. T(b)	سطح معنی داری
خی دو	۱.۷۰۹			.۰۰۰
ضریب کرامرزوی	.۷۳۹			.۰۰۰
ضریب همبستگی تای کندال	.۱۰۷	.۰۵۹	۱.۷۶۳	.۰۷۳
تعداد نمونه	۲۵۶			

فرضیه سوم: بین عوامل اجتماعی جامعه و افت تحصیلی دانش آموزان ارتباط معنی داری وجود دارد.

طبق نتایج بدست آمده، عوامل اجتماعی ۱۳ درصد برای متغیر وابسته همبستگی دارد. مقدار ضریب $R^2 = ۰/۰۲۱$ حاکی از آن است که متغیر عوامل اجتماعی قادر به توضیح ۲/۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته در جمعیت نمونه است و ضریب تعیین استاندارد که اندازه آن برابر با $Adj.R^2 = ۰/۰۱۷$ می باشد، بیانگر این واقعیت است که متغیر عوامل اجتماعی ۱/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را در جامعه آماری تعیین می کند و مقدار ضریب B و بتا در این مورد به ترتیب ۰/۲۳۱ و ۰/۱۳۰ بوده است. مقدار $F = ۸/۸۶$ با سطح معنی داری ۰/۰۰۰ نشان دهنده رد فرضیه صفر یعنی وجود رابطه معنادار میان دو متغیر مذکور است.

جدول (۳): ضریب همبستگی عوامل اجتماعی

نام متغیر	R	R^2	$Adj.R^2$	خطای معیار میانگین	B	بتا	F	Sig
عوامل اجتماعی	۰/۱۳۰	۰/۰۲۱	۰/۰۱۷	۲/۲۰	۰/۲۳۱	۰/۱۳۰	۰/۸۶	۰/۰۰۰

فرضیه چهارم: بین انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان ارتباط معنی داری وجود دارد.

با اذعان به نتیجه ضریب همبستگی تای کندال (۹۱ درصد) درخصوص رابطه متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان، با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۵ درصد می توان گفت که رابطه آماری معنی داری بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد. بدین ترتیب، فرض تحقیق مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان تایید شده و در مقابل فرض مبنی بر عدم ارتباط بین این دو متغیر رد

می‌شود. به عبارتی، دو متغیر کنترل انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان به یکدیگر مرتبط بوده و هرگونه تغییر در یکی با تغییر در دیگری همراه می‌باشد.

از سوی دیگر جهت سنجش شدت رابطه بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان از ضریب کرامرزوی استفاده گردید که مقدار این ضریب ۰/۶۶ و سطح معناداری ۰/۰۵، بیانگر این است که همبستگی مثبت و قوی بین دو متغیر انسجام خانوادگی و افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد.

	اعتبار	سطح خطا	Approx. T(b)	سطح معناداری
خی دو	۳.۲۵۸			۰.۴۵
ضریب کرامرزوی	۰.۶۵۷			۰.۴۵
ضریب همبستگی تای کندال	۰.۰۹۱	۰.۰۵۳۴	۱.۶۸۱	۰.۰۹۱
تعداد	۲۵۶			

جدول زیر و مدل تبعی آن، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان را نمایش می‌دهند:

جدول (۵). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر افت تحصیلی دانش آموزان

P	T	Beta	SEB	B	نام متغیر	ردیف
-	-	-	-	-	$y =$ افت تحصیلی دانش آموزان	۱
۰/۰۱	۳/۱۳۰	-	۰/۴۰۵	۱/۲۶	Constant = عدد ثابت	۲
۰/۰۵	۳/۹	۰/۱۷	۰/۱۳	۰/۱۴	$X_3 =$ نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص	۳
۰/۰۵	۳/۱۲	۰/۱۲	۰/۰۱	۰/۰۱۶	$X_4 =$ انسجام خانوادگی	۴
۰/۰۵	۳/۰۲	۰/۰۹	۰/۰۱	۰/۱۰	$X_5 =$ عوامل اجتماعی جامعه	۵
۰/۰۵	۲/۸	۰/۰۸	۰/۰۱	۰/۰۹	$X_6 =$ پایگاه اجتماعی خانواده	۶
		$R=0/64$	$R^2=0/41$	$F=6/08$	$P<0/01$	

نتایج حاصل از تحلیل مسیر

در مطالعه حاضر، جهت تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته افت تحصیلی، از روش تحلیل مسیر بهره گرفته شده است که نتایج حاصل بدین قرار بوده است که مجموعه عوامل نیروی انسانی ماهر و متخصص، انسجام خانوادگی، عوامل اجتماعی جامعه، پایگاه اجتماعی خانواده تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر وابسته افت تحصیلی داشته‌اند.

در مجموع، متغیرهای زیر به ترتیب بیشترین تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) را بر متغیر وابسته افت تحصیلی داشته‌اند: (۱) نیروی انسانی ماهر و متخصص (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۷)؛ (۲) انسجام خانوادگی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۲)؛ (۳) عوامل اجتماعی جامعه (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۹)؛ (۴) پایگاه اجتماعی خانواده (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۸). و نهایتاً اینکه با توجه به مقدار خطا (e²) که برابر با ۰/۴۱ درصد می‌باشد،

$$e^2 = 1 - R^2 \Rightarrow 1 - 0/41 = 0/59 \quad \text{یعنی:}$$

می‌توان پی برد که مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته، توانسته‌اند ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی را تبیین کنند و مابقی (۰/۵۹) تغییرات آن تحت تأثیر مجموعه متغیرها و فاکتورهایی می‌باشند که در مدل نیامده و در واقع در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

در مطالعه حاضر، جهت پیش‌بینی و تعیین میزان تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان، از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که طی آن، ابتدا تأثیر هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته با استفاده از روش گام به گام تعیین گردید و سپس، با استفاده از روش همزمان، مجموعاً و به یک دفعه مورد آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره قرار گرفتند. براساس نتایج این تحلیل رگرسیون، متغیرهای نیروی انسانی ماهر و متخصص (با ضریب تأثیر ۰/۱۷) و انسجام خانوادگی (با ضریب تأثیر ۰/۱۲)، عوامل اجتماعی جامعه (با ضریب تأثیر ۰/۱۰)، پایگاه اجتماعی خانواده (با ضریب تأثیر ۰/۰۸) ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده را بر متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان را نشان می‌دهد. ضمن آنکه، براساس مقدار ضریب همبستگی چندگانه یا R (۰/۶۴)، همبستگی آماری قوی بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد. مقدار ضریب تعیین یا R² نیز که برابر با ۰/۴۱ می‌باشد، نشانگر تبیین ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان توسط مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده می‌باشد. و مقدار آزمون F (۶/۰۸) نیز نشانگر قابلیت بالا و مناسب مدل و طبیعتاً تبیین تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی ۱- سومین متغیری که بیشترین تأثیر رگرسیونی استاندارد شده را بر متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان داشته است، نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص با ضریب تأثیر ۰/۱۴ بوده است. از این رو، قابل اشاره است که افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل نیروی انسانی آموزشی ماهر و متخصص، با افزایش ۰/۱۴ انحراف معیار در متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان همراه می‌باشد.

۲- متغیر انسجام خانوادگی با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۱۲، آخرین متغیر با بیشترین ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده بر متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان بوده است. این مقدار ضریب تأثیر گویای افزایش ۰/۱۲ انحراف

معیار در متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل انسجام خانوادگی می‌باشد.

۳- متغیر عوامل اجتماعی جامعه با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۰۹، آخرین متغیر با کمترین ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده بر متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان بوده است. این مقدار ضریب تأثیر گویای افزایش ۰/۰۹ انحراف معیار در متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل عوامل اجتماعی جامعه می‌باشد.

۴- متغیر پایگاه اجتماعی خانواده با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده ۰/۰۸، آخرین متغیر بوده است. این مقدار ضریب تأثیر گویای افزایش ۰/۰۸ انحراف معیار در متغیر وابسته افت تحصیلی دانش آموزان، به ازای افزایش یک انحراف معیار در متغیر مستقل پایگاه اجتماعی خانواده می‌باشد.

در مطالعه حاضر، جهت تعیین اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته افت تحصیلی، از روش تحلیل مسیر بهره گرفته شده است که نتایج حاصل بدین قرار بوده است که مجموعه عوامل نیروی انسانی ماهر و متخصص، انسجام خانوادگی، عوامل اجتماعی جامعه، پایگاه اجتماعی خانواده تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر وابسته افت تحصیلی داشته‌اند.

در مجموع، متغیرهای زیر به ترتیب بیشترین تأثیر (مستقیم و غیرمستقیم) را بر متغیر وابسته افت تحصیلی داشته‌اند: (۱) نیروی انسانی ماهر و متخصص (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۷)؛ (۲) انسجام خانوادگی (با مجموع ضریب مسیر ۰/۱۲)؛ (۳) عوامل اجتماعی جامعه (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۹)؛ (۴) پایگاه اجتماعی خانواده (با مجموع ضریب مسیر ۰/۰۸).

و نهایتاً اینکه با توجه به مقدار خطا (e۲) که برابر با ۰/۴۱ درصد می‌باشد،

$$e^2 = 1 - R^2 \Rightarrow 1 - 0/41 = 0/59 \quad \text{یعنی:}$$

می‌توان پی برد که مجموعه متغیرهای مستقل در نظر گرفته، توانسته‌اند ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته افت تحصیلی را تبیین کنند و مابقی (۰/۵۹) تغییرات آن تحت تأثیر مجموعه متغیرها و فاکتورهایی می‌باشند که در مدل نیامده و در واقع در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

پیشنهادات

تفاوت استعدادها واقعیتی است که در سنین مختلف تحصیلات متوسطه تجلی و ظهور مشهورتری خواهد یافت. بر این اساس برنامه ریزان و سیاستگذاران نظام آموزش متوسطه ما باید زمینه‌های لازم را برای توجه هر چه بیشتر ما به تفاوت استعدادها دانش آموزان فراهم سازند. اما برای پیشبرد اهداف عالی آموزش و پرورش در کشور ما و جلوگیری از افت تحصیلی دانش آموزان، اعم از دختر و پسر، تا حد امکان، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

۱ - باید نظام واحدی مبتنی بر ارائه دروس به صورت اختیاری مورد حمایت قرار گیرد و برای رفع موانع اجرایی آن تلاش بیشتری انجام شود تا شاگردان بتوانند با توجه به فرصتی که برای آنها در خصوص انتخاب دروس فراهم می گردد، توان و استعداد خود را به محک زده و بر اساس قوه و استعدادشان مسیر آینده خویش را تعیین کنند.

۲ - تکیه زیاد بر استفاده از آزمون‌ها در تعیین رشته تحصیلی نتایج چندان ثمربخشی در بر نداشته است. به همین جهت سرمایه گذاری وسیع در زمینه تهیه و کاربرد آزمون‌ها برای منظور فوق چندان به سود و صلاح نظام آموزشی ما نیست. اما اگر معلمان را با شیوه‌های مطلوب ارزشیابی تحصیلی آشنا کنیم و کیفیت ارزشیابی تحصیلی را به طور بنیادی بهبود بخشیم، می توان کماکان از عملکرد تحصیلی شاگردان به عنوان شاخص قابل قبولی برای تعیین رشته تحصیلی سود جست.

۳ - تجدید نظر در سیاست‌های جاری امتحانات و ارزشیابی، مانند امتحانات متمرکز، هماهنگ، امتحانات نهایی، کشوری و آزمون‌های سراسری. بر این اساس شاگردانی که در مناطق محروم تحصیل می کنند با شاگردانی که از امکانات آموزشی برتر برخوردارند، نباید از یک غربال عبور کنند. به همین جهت تا محو استضعاف آموزشی باید سیاست منطقه ای کردن امتحان و گزینش پی گیری شود.

۴ - دست یابی دختران به فرصت‌های عادلانه آموزشی در دوره عمومی، علاوه بر کاهش افت تحصیلی در بین آنان، می تواند دارای اثرات و تبعات بسیار مثبتی نظیر ارتقای بهداشت جامعه، کاهش رشد جمعیت، افزایش تولید و درآمد ملی، حفظ محیط زیست، سلامت مادران و کودکان باشد.

۵ - ارتباط نزدیک مسئولان و کارشناسان آموزش و پرورش با دستگاه‌های اقتصادی کشور و تبادل اطلاعات تبیین آنها و همچنین تقویت موسسات مطالعاتی و برنامه ریزی آموزشی.

۶ - هماهنگی در تدریس از ابتدایی تا متوسطه. به همین منظور لازم است دبیران دوره متوسطه از چگونگی تدریس معلمان، برگزاری امتحانات، قبولی، تجدیدی و.. در دوره ابتدایی، خصوصاً راهنمایی، آگاه شوند تا با مشکلات متفاوت، اعم از روخوانی کتاب درسی، انجام فعالیت‌های کلاسی، اهمیت دادن دانش آموز به حضور و غیاب در مدرسه، اهمیت دادن به درس و رعایت هنجارها و ارزشهای حاکم بر مدرسه و بسیاری از مشکلات دیگر در دوره متوسطه را به صورتی که امروزه در دبیرستانهای مختلف کشور ما حاکم است، روبرو نشوند. به همین منظور لازم است تغییراتی اصولی در قوانین آموزشی کشور ما صورت بگیرد.

منابع

۱. ادیب، محمد حسین (۱۳۷۲)، جامعه شناسی ایران، اصفهان: نشر هشت بهشت، چاپ دوم.
۲. ارونسون، الیوت (۱۳۶۹)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرتن، تهران: انتشارات رشد.
۳. امینی فر، مرتضی (۱۳۶۵)، «افت تحصیلی یا اتلاف در آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان، شماره ۷.
۴. آزاد ارامکی، تقی (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران: موسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی.

۵. بازرگان، زهرا (آبانماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی - پیوند، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۳.
۶. بازرگان، زهرا (آذرماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی کشورهای پیشرفته»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۴.
۷. بازرگان، زهرا (دیماه ۱۳۷۹)، «نگاهی دیگر به مسأله افت تحصیلی و شیوه‌های موثر مقابله با آن در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی»، نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی پیوند، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، شماره ۲۵۴.
۸. بیرو، آلن (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان
۹. پورافکاری، نصرت الله (۱۳۸۲)، فرهنگ جامع روانشناسی - روانپزشکی: انگلیسی - فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگ معاصر.
۱۰. جزوه درسی کلاسهای ضمن خدمت تربیت معلم شهرستان آمل، در آفتهای رشد تحصیلی و راههای مقابله با آن.
۱۱. حاجی زاد، محمد (۱۳۸۲)، «عوامل آموزشی - اجتماعی موثر بر کاهش قبولی دانش آموزان مراکز پیش دانشگاهی در کنکور ۸۰ در شهرستان بهشهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.
۱۲. حسنی، محمد (۱۳۸۳)، «بازاندیشی در پدیده تکرار پایه»، فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار سال بیستم، شماره ۱.
۱۳. خاکی، غلامرضا (۱۳۸۲)، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه نویسی، تهران: انتشارات بازتاب.
۱۴. خدایاری، سیاوش (۱۳۸۳)، «عوامل اجتماعی موثر در ارتقای منزلت اجتماعی معلمان از دیدگاه معلمان شهرستان دره شهر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۵. داریاپور، زهرا (۱۳۷۰)، «بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی (دختران) پایه سوم منطقه ۱۶ آموزش و پرورش تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۶. دانش‌نامه، فاطمه (۱۳۸۰)، «بررسی عوامل موثر در نابرابریهای آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدل نظری برای آموزش دختران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز سال هفدهم، شماره ۴.
۱۷. دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۸۲)، مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات مدرسه.
۱۸. دلاکه، حسن (۱۳۸۰)، «تحلیل عوامل موثر بر دانش آموزان در معرض افت تحصیلی از دیدگاه معلمان مدارس ابتدایی تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۹. دورکیم، امیل (۱۳۷۶)، تربیت و جامعه شناسی، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. رفعت جاه، مریم (۱۳۷۶)، «بررسی عوامل موثر در عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه شناسی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۱. رئیس دانا، فرخ لقا (۱۳۶۵)، «درصد قبولی و مردودی دوره‌های تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۷ و ۸.

۲۲. ساکی، رضا (۱۳۷۳)، «نگرش معلمان در مورد علل شکست و موفقیت تحصیلی دانش آموزان و ارتباط آن با میزان موفقیت آنان در تدریس»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان سال دهم، شماره ۳ و ۴.
۲۳. سیف الهی، سیف الله (۱۳۸۱)، جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران، تهران: انتشارات جامعه پژوهان سینا.
۲۴. شارع پور، محمود (۱۳۸۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۱)، فلسفه آموزش و پرورش، تهران: امیرکبیر.
۲۶. شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۵)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۷. شیخی، محمد تقی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی جهان سوم، تهران: انتشارات اشراقی.
۲۸. صافی، احمد (۱۳۸۲)، آموزش و پرورش - ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۲۹. صفوی، امان الله (۱۳۶۵)، «افت تحصیلی در ایالات متحده آمریکا و علل آن»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال دوم، شماره ۷ و ۸، تهران
۳۰. صفوی، امان الله (۱۳۶۹)، «پیشرفت تحصیلی افتراقی از دیدگاه جامعه شناسی آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان و پاییز سال ششم، شماره ۲ و ۳.
۳۱. عبداللهی، محمد (۱۳۸۳)، «طرح مسائل اجتماعی در ایران / اهداف و ضرورتها»، در مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران / انجمن جامعه شناسی ایران، تهران: انتشارات آگاه.
۳۲. عزیززاده، هادی (۱۳۷۳)، «تفکر درباره تحولات آینده آموزش و پرورش / روشهای برخورد با بحران آموزش و پرورش در دهه ۷۰»، در مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی (جلد اول)، تهران: انتشارات سمت.
۳۳. علاقه بند، علی (۱۳۸۲)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
۳۴. کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷۶)، «مبانی پژوهش در علوم رفتاری»، ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۵. کرلینجر، فرد. ان. (۱۳۷۷)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری، ترجمه پاشا شریفی و نجفی زند، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۶. کیوی، ریمون و لوک وان کامپنهود (۱۳۷۵)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
۳۷. گلشن فومنی، محمدرسول (۱۳۸۲)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: دیدآور.
۳۸. مجیدی، بهرام (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه برخی از ویژگی های اجتماعی - اقتصادی خانواده با موفقیت و افت تحصیلی دانش آموزان سال سوم راهنمایی شهرستان میانه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.

۳۹. مرادیان، فیض الله (۱۳۸۴)، «بررسی نگرش دینی دانشجویان / مطالعه موردی: دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر، دانشکده علوم انسانی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی و دانشکده علوم پایه دانشگاه تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
۴۰. معیری، محمد طاهر (۱۳۷۰)، مسائل آموزش و پرورش، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۱. منادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «تفسیر شکست‌های تحصیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز و زمستان سال نهم، شماره ۳ و ۴.
۴۲. مهران، گلنار (۱۳۷۵)، «بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاور میانه و شمال آفریقا و بویژه در ایران»، فصلنامه تعلیم و تربیت، تابستان سال دوازدهم، شماره ۲.
۴۳. نبوی، بهروز (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: کتابخانه فروردین.
۴۴. نفیسی، عبدالحسین (۱۳۷۱)، «خسارت‌های ناشی از شکست تحصیلی و وضعیت آن در سال ۱۳۶۹»، فصلنامه تعلیم و تربیت، پاییز سال هشتم، شماره ۳.
۴۵. نیک زاد، محمود (۱۳۷۵)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: انتشارات کیهان.
۴۶. وفادار مرادی، مرضیه (۱۳۷۷)، «بررسی نگرش دبیران و دانش آموزان نسبت به عوامل موثر بر افت تحصیلی دانش آموزان در نظام جدید آموزش متوسطه - دبیرستانهای دخترانه شهرستان مشهد»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

Abstract

The present study was carried out as the study of social factors on the educational decline of first, second and third grade high school students in Garmsar. The purpose of this research is to determine the role of social factors on the academic drop of female students in the first, second and third grades of high school in Garmsar, conducted by field research. The statistical population of this study is ۷۶۸ female students of first, second and third grade high school students of mathematics, experimental, human and technical sciences who have been studying in the schools of Garmsar in the academic year of ۱۳۹۶-۱۳۹۳. The sample size of this study was determined by using the codlar formula among the statistical population of ۲۵۶ people. The hypotheses were evaluated through Kramerzian test and multivariate regression, and the result was as follows. To measure the severity of the relationship between the two variables of trained and qualified educational personnel, and the academic failure of students, the Kramerzoo coefficient was used which the coefficient of ۰,۷۷ and the significance level of ۰,۰۱ were indicative of a positive and strong correlation between the two variables of academic failure Students and trained and trained human resources. Also, the significance

level of $r = 0.81$, between the two variables of academic failure and the social status of the students, indicates that there is a positive and strong correlation. Considering the value of $F = 0.86$, with a significant level of $p = 0.001$, the rejection of the zero hypothesis means that there is a significant relationship between the two variables of social factors and academic failure. On the other hand, Kramerzoo coefficient was used to measure the severity of the relationship between the two variables of family cohesion and academic failure. The value of this coefficient is $r = 0.66$ and the significance level of $p = 0.001$ indicates that there is a positive and strong correlation between the two variables of family cohesion and There is a student drop in school.

Keywords: academic failure, family cohesion, social factors, social base, skilled manpower.